حق دانند و از حق بینند و چون دانند که هر موری که بوجود می‌آید بتصرف مالکست در ملک خود بدان راضی شده از اهن و حزن بر طرف باشد
بت مالک الملکست دارد و هر چه خواهد آن کند: بندگان را غیر تسلیم چه چیست: آورده‌اند که چون برگزیده احد از سوگ احد جهت
زنان بیوه شده و یتیمان از پدر باز مانده را دید که با جامهای دریده و رویها خراشیده بر کشتگان خویش می‌رسیدند و زاری می‌نم
خواری بر شهیدان می‌گریستند آسیب دردمندی ماتم زدگان بر دل خواجه دو جهان کار کرد و بر زبان حق نشانش این کلمات
جریان یافت که اهکذا یفعل برسولک حق سبحانه بجهة تسلی خاطر زنان تقویت فرستاد که **ان یمسسکم قرح** اگر بشما
رسید جرحی و زخمی بضم و بفتح قاف دو لغتست بیک معنی چون ضعف و ضعف و جهد و جهد و فتح لغة اهل حجاز است و ضم لغة ایشان
یا بضم اسمست و بفتح مصدر و گفته‌اند بفتح جراحتست و بضم الم و بر هر تقدیری میفرماید که اگر از اعدا زخم خوردید در حرب احد و با الم
جراحت مبتلا شوید **فقد مس القوم** پس بدرستی که رسیده است کفار را در روز بدر **قرح مثله** زخم و جراحتی مثل آن و در
شما امانت در مس اصابتست نه در عین جراحت و گفته‌اند از این زخم رسیدن ایشانرا هم در احد بود و در مبادی حرب که هفت
مرد از ایشان کشته گشتند و ناصبان لوای ایشان چون طلحه و عثمان و ابو سعید اولاد ابی طلحه و حارث و مسافع و جلاس و کلاب فرزندان
طلحه بن ابی طلحه بقتل رسیدند پس حق تعالی میفرماید که اگر شما مجروح و جمعی از شما مقتول شدند لشکر کافران را نیز مثل آن رسیده
و با وجود آن دست از معادات شما باز نداشتند و طریقه محاربه و مقاتله فرو نگذاشتند پس شما سزاوارترید که زمام حال خود
بدست ضعف و فتور ندهید و بدلی قوی قدم عزم در میدان قتال ایشان نهید و بدین مقدار که از غلبه ایشان را دست داد دل خود را
بد مکنید که همیشه احوال بر یک منوال نباشد **وتلک الایام** و این روزها که مدار زندگانی بر آنست **نداولها بین الناس** میگردانیم
از میان مردمان روزی بدولت گذرد و روزی بمحنت شبی در عشرت بپایان رسد و شبی بعسرت **شعر** فیوم علینا و یوم لنا
و یوم نساء و یوم نسر **بت** روزی کامینی نهاده بر سر تاجم: روزی دیگر بلجه محتاجم: صاحب نظر سخن همداد را برین وجه آورده که مؤمنان بر جای
زمان برداری به ثبات قدم متصف شوند ایشان را بر کافران نصرت دهد و هیبت اولیا در دل اعدا افکند و خوف بر ایشان غالب گردد
تا کوکب ظفر از مطلع اسلام طلوع نمود و ستاره اقبال عبده اصنام در حضیض ادبار افتد و چون اهل ایمان پای از سر حد فرمان بیرون نهند و جلباب
عصیان پوشند آهنگ ملاهی کنند دشمنان بر ایشان غالب سازد و بباید دانست که مغلوبیت مسلمانان جهت تادیب و مغلوبیت کافران
بر روی تعذیب و در مفاتیح الغیب آورده که مداولت مشتمل بر فواید است یکی آنکه تا ناوک آفات و رحمات بهدف احوال اهل ضلال رسد مؤمنان
در معرض بلا ما در امان باشند همه کس را علم ضروری حاصل میشود با آنکه دین اسلام حقست و ما سوی او باطل پس اهل ایمان را در بعضی اوقات
ثبات الحکمند تا از جزئی از شبهات باقی نماند و مکلف بواسطه نظر آن را دفع کرده دلایل آنچه صحت اسلام اثبات نماید و ثواب عظیم
بران مترتب گردد دوم فایده دیگر آنست که برخی مؤمنان بواسطه دغدغه نفس و شیطان مرتکب معاصی میشوند و چون شربت مکافات چشیدند
عذاب و جزای آن کمی دیدند فی الجمله حق سبحانه ایشان را در دنیا بعضی از محن ممتحن میسازد تا از گناهان پاک شده بقرب حضرت پاک
توانند رسید و گفته‌اند این مداولت نه در جهاد است بلکه تعلق با حوال دنیوی دارد و چون بنیت دعافیت و رفاهیت و شدت و ابتلا

اختصاص ایشان جهة اشتغال باز آن در تفسیر کبیر آورده که این آیة با آیة سابق برو مقدمه سخنی است که مضمونش این باشد که چون بزوال
قرون ماضیه مطلع شدید و ببیان قرآن بر اخبار گذشتگان وقوف یافتید شما را روشن شد که اگر دو سه روزی اهل باطل را صولتی و عزی
و دولتی روی نماید اما مآل حال ایشان ضعف و فتور گشته سرانجام مهام ایشان بعجز و قصور انجامد و لوای دولت اهل حق که علم از نشان
خورشید درخشان عالم گیر است در میدان غالبیت منصوب گردد و رایت کامکاری ارباب شرک و نفاق از روی خواری بحکمت
نگونسار پذیرد **بت** بسی بر نیاید که دور سپهر: بکام شما گردد از روی مهر: بد اندیش را خیره گردد سرش: بخاک اندر افتد
سر افسرش پس باید که سطوت غلبه ایشان در روز احد سبب ضعف و بد دلی شما نگردد و بهیچ گونه اضطراب و اختلال احوال خود راه
ندهید **ولا تهنوا** و سست مشوید و ضعف مورزید در محاربه اعدا **ولا تحزنوا** و اندوهگین مباشید از مصیبتها که شما را رسید از
دیاران شما شربت شهادت چشیدند و اندوه مخورید بر فوت شدن غنایم یا بوقوع جراحت بر اعضای شما و در اخبار آمده
که چون از سورة اهل ضلال مجال قتال بر مسلمانان تنگ شد و حضرت صلوات الله علیه بشعب در آمد ابو سفیان علم تجلد بر تیغ کوه برد و خواست
که بر اهل شعب مطلع گردد سید عالم صلی الله علیه و آله دست بدعا بر آورد که خدایا مهیب خویش بر این سپت پایگان پست
کیش کار زار ارتشیب ببالا بر نیایند و از شکوه و قوی نیان بلند همت چنان پریشان نمای که از تیغ کوه هراسان شده سر بعکس
و در اسباب زوال آورده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه در عا فرمود که الهی همین گروهند که ترا بیگانگی میخوانند و معبود بحق میدانند
بیگانگان بعین را بر آشنایان دین مسلط مساز که ما را جز تو پناهی نیست **بت** لشکر ضعیف و معرکه پر دشمنست لیک دارم امید
چه تو پادشاه ما حق سبحانه دعوة آنحضرت را باجابت مقرون ساخته جهة تسلی اصحاب آیة فرستاد که سستی مکنید و اندوه
مخورید **وانتم الاعلون** و حال آنکه برترانید از ایشان بحسب مکان چه در آن وقت بقیه لشکر اسلام بر جبل بودند و کافران در دامن
کوه یا بر ترین بحجت و برهان یا شما را از روی محاربه بر ایشان پیشی و از ایشان پیشیست زیرا که در بدر با ایشان زیادت از آنچه
واقع شد که در احد شما را رسید یا برتری شما بدانست که شما را در قتال ایشان احدی الحسنیین متوقعست یا ظفر یا شهادت یا آنکه کشتگان
شما در صدر نعیم اند و از آن ایشان در قعر جحیم یا شأن شما عالیتر است از ایشان چه شما حرب برای خدا و اعلان کلمه او میکنند
و ایشان بفرمان شیطان در روی اهل اسلام تیغ انتقام میکشند یا مقام شما در جنت بلند خواهد بود و ایشان در درک اسفل
گرفتار عذاب خواهند شد و گفته‌اند این بشارتست مر مسلمانرا بعلو و غلبه یعنی شما منصور و غالب خواهید بود در عاقبت **ان کنتم**
مؤمنین اگر هستید شما گرویدگان یعنی باور دارندگان وعده مرا که در باره اهل دین فرموده‌ام وان جندنا لهم الغالبون
در تفسیر میگوید علو شما را باشد اگر بر ایمان خود ثابت باشید یا شما را علوست اگر صحیح باشد ایمان شما چه صحت ایمان موجب قوت دل است
بکمال یقین و اعتماد بر لطف حضرت رب العالمین و باک نداشتن از غلبه اعدا و بعضی از اکثر علما ان بمعنی اذ است و در اشعار دیگر
را بجهة تعلیل فهم کرده‌اند کقوله تعالی ان کنتم مؤمنین بافعل و معنی این باشد که شما غالب خواهید بود بر ایشان زیرا که مؤمنانید و در حقایق التاویل آورده که شما
عالی ترانید در مرتبه که قرب شما بحضرت احدیت و علو درجه و رفعت رتبه شما در حقایق معرفت چو موحدانید و هر چه بر موحد جاری شود از

حق از

Copyright to King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)